

مرتضی گرد سکونتگاهی در گرداب مشکلات

مهرزاد شفیع پور

مرتضی گرد، نه شهر است نه روستا و هیچ تعریفی برای آن وجود ندارد اما می توان گفت روستاشهری است بزرگ در کمربند جنوب غرب تهران در پایین دست آزاد راه آزادگان. مرتضی گرد به لحاظ تقسیمات کشوری یکی از روستاهای بخش آفتاب از توابع شهرستان تهران است. دو سوم نقشه این سکونتگاه، مربوط به ناحیه ۴ منطقه ۱۹ شهرداری تهران می باشد و یک سوم آن هم مربوط به دهیاری است.

طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیت این سکونتگاه ۸۲۱۷ نفر است که شامل ۲۲۴۹ خانوار می باشد. مرتضی گرد به لحاظ قابلیت های رشد و توسعه از یک طرف و نیز فعال بودن مؤلفه های موثر در رشد جمعیت، مهاجرت و نزدیکی به شهر تهران طی چند سال اخیر رشد بسیار سریعی را تجربه کرده است. در حال حاضر میزان جمعیت آن فراتر از رقم سال ۱۳۹۰ است. مرتضی گرد اکنون به پهنه گسترده ای از فقر تبدیل شده و مأمین مهاجرین فقیر شهر تهران و سایر شهرهای کشور است. در ادامه نگاهی داریم به زنجیره مشکلات این سکونتگاه که بزودی رهایی از آن امکانپذیر نیست.

مشکلات مرتضی گرد را به هم پاس می دهند. مرتضی گرد شهریست که با قانون ده اداره می شود یا می توان گفت: دهیست که حاضر به پذیرفتن قوانین شهری نیست.

در بدو ورود به مرتضی گرد آنچه نظر هر بیننده را جلب می کند، کیوسک امنیه ساختمان است. اگر سواره باشی و اولین بارت باشد که وارد این ده صاحب بارو و پاسبان شوی، نمی دانی که وظیفه این پاسبانان چیست. زیر چشمی تو را می پابند؛ تو منظورشان را نمی فهمی، ولی آنها سریعاً در مورد ورود تو به این ده تصمیم می گیرند. اگر ماشینت باری باشد، بی درنگ متوقفش می کنند و خدایی نکرده بارت سنگ، کلوخ، آجر، خاک، ماسه، میلگرد و یا تیر آهن باشد؛ از آن دروازه نخواهی گذشت، مگر اینکه مجوز

رشد بی رویه و ناموزون مرتضی گرد در چند سال اخیر موجب شده که ظرفیت ها، امکانات و خدمات زیرساختی آن (آب، برق، گاز، تلفن و...) جوابگوی این حجم از جمعیت نباشد. عدم کنترل و ساخت سازهای غیرقانونی و لجام گسیخته در این منطقه عامل اصلی وضع موجود است. این امر باعث شده که مسئولین مجبور به کنترل ساخت و سازهای مرتضی گرد شوند.

یکی از اقدامات مسئولین در این زمینه، محصور کردن این سکونتگاه است. آنان گرداگرد مرتضی گرد را حصار کشیده و برای دروازه های آن امنیه ساختمان گذاشتند. ورود مصالح ساختمانی به آن ممنوع و ساخت و ساز در آن تقریباً راکد است. مرتضی گرد امروزه با کوهی از مشکلات بلا تکلیف است. شهرداری و دهیاری





داشته باشی یا به قول ساکنین از زیر سیبل شان رد شوی. خدا را شکر ماشین ما سواری بود. جای زیادی برای قایم کردن میلگرد، تیر آهن، ماسه و آجر نداشت، پاسبان زیر چشمی به ما نظری می اندازد، منم منظورش را نمی گیرم. از دروازه شهر رد می شوم. طول خیابان اصلی شهر یا ده (فرقی ندارد هم شهر است و هم ده) از جهت شمال به جنوب طی می کنم.

نیم نگاهی به خیابان های اطراف آن می اندازم، اکثریت معابرش خاکی و خیلی باریکند و عین تنگ بهرام چوبین سر به فلک کشیدند، هر چه به سمت پایین دست نزدیکتر می شوی فقر خودش را بیشتر نمایان می سازد. درست که مرتضی گرد در حاشیه است اما او نیز برای خود حاشیه دارد. عین تهران و اکثر شهرهای کشور بالاشهر و پایین شهر دارد. شکاف طبقاتی در دل مرتضی گرد نیز رخنه کرده است. این ده بزرگ در بالادست برق، گاز، تلفن و میرآب دارد و برخی کوچه هایش آسفالت شدند اما پایین دستش نه آب دارد نه برق و نه گاز.

از شلوغی مرکز ده خارج می شوم و به انتهای آن در جنوبی ترین نقطه اش می رسم. خانه سازی از سمت جنوب مرتضی گرد تالبه شبکه عریض لوله های نفت توسعه یافته است. خانه سازی زیر شبکه برق فشار قوی و دکل های آن از دور خودنمایی می کند. مشغول عکاسی از حاشیه جنوبی شهرک هستم که مرد جوانی مرا صدا می زند که چکار می کنی، به چه منظور عکس می گیری؟ در جوابش گفتم: می خواهم این عکس ها را در مجله چاپ کنم و در مورد مشکلات اینجا گزارشی تهیه کنم.

لب جاده پشت فرمان نشسته و آهی می کشد. «اینجا پر از مشکل است، هیچی ندارد نه آب، نه برق، نه گاز، نه خیابان درست حسابی، اطراف خانه ها پر است از اشغال. هیچ کس به اینجا توجه نمی کند.» یعنی شما بدون برق زندگی می کنید؟ «نه برق... داریم. مردم خودشان پول روی هم گذاشتن یک ترانز برق خریدن و هر کس یک کابل به داخل خانه اش کشیده است.» اسم و فامیلش را

نمی گوید. ۴۵ سال دارد متأهل و اهل آذربایجان است. ۱۰ سال است، در این منطقه مستأجر است. «شغلم مسافر کشی با این لگن است. (پیکان مدل پایین) لامصب مسافر هم نیست. زندگی بخور و نمیری داریم. از سرناچاری اینجا آمدیم. دهات خودمان از اینجا بهتر بود. چون کار نبود مجبور شدیم و سر از اینجا در آوردیم.»

حریم سیم، پایین ترین و مخاطره آمیز ترین نقطه مرتضی گرد است، به نقل از ساکنین بیش از ۴۵۰ خانوار در معرض خطرات کابل های برق فشار قوی قرار دارند. ارتفاع کابل های برق فشار قوی در این محل از سطح زمین و بام خانه ها زیاد نیست. در برخی نقاط فاصله کابل ها به سقف خانه ها به کمتر از دو متر می رسد. صدای جریان برق گوش خراش و کلافه کننده است. ساکنین به آن عادت کرده اند زیرا سقف بالای سرشان آنقدر برای آنان مهم است که این معضل و خطرات ناشی از آن را نادیده می گیرند.

گفتگویم با مرد جوان کنار جاده تمام می شود. ساعت ده و نیم صبح است. به سوی کارگران ساختمانی دم ورودی جنوب شهرک که چشم به راه روزیشان نشسته اند، حرکت می کنم به آنان نزدیک می شوم؛ چند نفرشان خیز بر می دارند و می گویند: کارگر می خواهی؟ در جوابشان گفتم: خیر، می خواهم چند دقیقه با شما صحبت کنم. از چند نفرشان پرسیدم ساکن محله هستید، همگی به اتفاق می گویند آره. آنها اکثرا اهل افغانستان بودند. کلافه اند از اینکه پاسی از روز گذشته و هنوز سرکار نرفتند «کار نیست،



مردم کوچه خودشان پول جمع و یک ماشین اجاره کردند که این زباله ها را به طور نامرتب جمع می کند. از مردم کوچه پول جمع کردیم یک چاه دستی برای آب خوردنمان زدیم. ۳۰ میلیون تومان هزینه برداشته است. الان آبش کفاف مردم کوچه را نمی دهد. با هزینه خودمان ترانز برق را تهیه کردیم. تا به حال دوبار سوخته مردم با هزینه خودشان مجدداً راه اندازیش کردند. یکی دیگر از معضلات ما وجود این کارگاههای مبل سازی است. اینجا محل سکونت ماست. سر و صدای این کارگاهها واقعاً آزار دهنده است. کارگرهای آنها بیشتر مجردند، شونئات را رعایت نمی کنند. اینجا زن و بچه ما زندگی می کند، چکار کنیم به کی شکایت ببریم.»

طبق آمار غیررسمی بیش از ۴۰ درصد خانه های مرتضی گرد غیرقانونی ساخته شده اند و خالی از سکنه هستند. به هر حال جداره بافت مرتضی گرد با نمای غیرمتعارف ناشی از واحدهای مسکونی و ریزدانی آنها نشان از عدم نظارت در ساخت سازها و رشد شبانه و بدون برنامه ریزی این سکونتگاه دارد.

یوآش یوآش همسایه های آقا سید، زن و مرد یکی یکی سر می رسند. خانم ها به وضعیت بهداشت و نبود امکانات بهداشتی و درمانی معترض هستند. چند کودک در جمع حضور پیدا می کنند؛ از دسترسی به محل درس خواندنشان می پرسیم؟ جواب می دهند: «مدرسه می روند آن هم محله خانی آباد تهران.» بزرگترها اظهار داشتند: اینجا مدرسه راهنمایی و دبیرستان پسرانه نداریم، بچه های پسر پس از گذراندن دوره دبستان برای ادامه تحصیل باید روانه صالح آباد یا خانی آباد شوند. مردی با موهای جو و گندمی بزرگ شده دروازه غار تهران، وارد بحث ما می شود. «در حال حاضر یکی از مشکلات ما بی گازی است. برای گرم کردن فضای خانه باید زمستان نفت سفید تهیه کنیم. برای تهیه نفت سفید اینقدر باید بیایم و برویم تا دهیاری یا بخشداری به ما یک حواله بدهد. آن وقت یه وانت بار کرایه

ساخت و ساز در اینجا خوابیده، دهیاری دو سال است مانع ورود مصالح به داخل شهرک می شود. این پاسبان ها را می بینی، کار و کاسبی ما را کساد کردند. نمی گذارند مصالح وارد شهرک شود. وقتی که مصالحی در کار نیست کسی کار نمی کند و کاسبی ما وابسته به ساخت و ساز است. کاری غیر از این هم بلد نیستیم.» علی کولیوند مرد سالخورده اهل لرستان از ناملایمت های زندگی و اجاره نشینی می نالد که یک جوان هم ولایتی او صحبتهایش را قطع می کند: «قبلاً خانه های اینجا به لحاظ اجاره خوب بودند. الان الکی مالکین اجاره ها را بالا کشیدن به خاطر اینکه یکی دو خیابان آن آسفالت شده، چه خبرست، مگر اینجا لوس آنجلس است.» او از بیکاری می نالد و می گوید: «برادران افغان کار ما را خراب کردند با هر قیمتی کار می کنند و ما باید بیکار باشیم.» جدل او با کارگر افغان باعث متشنج شدن فضا می شود. پس از آرام شدن فضا، از او می پرسیم که چرا ولایت خود نمی مانید و اونجا کار نمی کنید؟ علی کولیوند در جواب می گوید: «اونجا کار نیست، فقط کشاورزی بود که با خشکسالی از بین رفت. از سر خوشی به اینجا نیامدیم، بلکه از سر اجاره روانه دیار غربت شدیم. اینجا نیز شرایط زندگی خوبی نداریم ولی حداقل درآمدی داریم، یک خانه اجاره کردم با سختی پول اجاره و خورد و خوراک زن و بچه را تأمین می کنم.» در مورد مشکلات محله از او می پرسیم؟ «معضل بی آبی داریم، اینجا با تانکر آب می آورند آن هم دو سه روز یک بار و بین مردم توزیع می کنند. قطعی برق داریم، گاز نداریم و دسترسیمان به نفت سفید برای گرم کردن خانه ها بسیار سخت است. محله پر از کثافت شده و خیابان ها همه خاکی هستند.»

آقا سید ساکن کوچه ولیعصر ۳۵ که برای احداث چاه آب آشامیدنی و تهیه ترانز برق کوچه، تلاش زیادی کرده در رابطه با مشکلات محله می گوید: «مشکل اساس ما بی آبی، نداشتن انشعاب برق، لوله کشی گاز و عدم جمع آوری زباله هاست. این سطل زباله را می بینی، هفته ای هستش که تخلیه نشده و اطرافش پر از زباله شده. نه دهیاری و نه شهرداری هیچ کدام حاضر نیستند زباله ها را جمع آوری کنند.»



شدن ترددشان در روزهای بارانی می گویند. ریزدانگی، ناپایداری خانه ها از سر و روی آنها مشخص است. مردم این محل نیز از بی آبی و نداشتن گاز سخت در عذاب هستند. به نقل از ساکنین محله پول ترانز برق شان ۷۰ میلیون تومان بوده که تمامی پول را مردم خودشان تهیه کردند. اکثر ساکنین کنتور برق ندارند.

اصغر فرجیان از ساکن حریم سیم در خیابان ولیعصر ۱۶ «مسئولین به محله ما هیچ خدماتی نمی دهند. می گویند: سکونت شما در این نقطه غیر قانونی است. چرا زمانیکه ما به اینجا پناه آوردیم و تمام دارایی مان را صرف ساخت این خانه ها کردیم؛ نظارت و جلوگیری نکردید. حال ما باید به کجا پناه ببریم. به خدا دیگر خسته شدیم از این وضعیت»

طبق آمار غیررسمی بیش از ۴۰ درصد خانه های مرتضی گرد غیرقانونی ساخته شده اند و خالی از سکنه هستند. به هر حال جداره بافت مرتضی گرد با نمای غیرمتعارف ناشی از واحدهای مسکونی و ریزدانگی آنها نشان از عدم نظارت در ساخت سازها و رشد شبانه و بدون برنامه ریزی این سکونتگاه دارد.

آنچه که فضای این سکونتگاه را دلگیر و بی روح کرده است، نبود فضای سبز و مبلمان شهری است. تلفیق بافت مسکونی و کارگاهی، نبود بهداشت، نبود سیستم مناسب برای جمع آوری آبهای سطحی و فضلاب های خانگی، خاکی بودن معابر، بوی بد جوب های آب و مانداب ها از جمله مشکلات زیست محیطی مرتضی گرد است که به چشم می آیند و زندگی را بر مردم آن دوچندان دشوار ساخته است.

اکثریت مردم مرتضی گرد عمدتاً آذری زبانند. پس از آنان لرها، کردها، افغان ها و ترکمن ها در اکثریت هستند. شرایط سخت زندگی باعث وابستگی و همیاری در بین ساکنین برخی از مناطق آن در اموری چون ایجاد چاه آب و برق کشی به خانه ها شده است. عمده شاغلین مرتضی گرد در کارگاههای تولید مبلمان مشغول به کار هستند و مابقی کارگر فصلی اند. اکثریت مردم مرتضی گرد از محل زندگی شان ناراضی اند و تعلق خاطری به آن ندارند. اکثراً ادعان می کنند که به اجبار سر از اینجا در آورده و اکنون نه راه پس دارند و نه راه پیش.

کنیم، تازه برویم رباط کریم چهار گالن نفت سفید تهیه کنیم. من بزرگ شده دروازه غارم، حیف اون دروازه غار. داخل یکی از گودها زندگی می کردیم. ۱۰۰ پله می خورد می رفت پایین. داخل آن گودها ما آب و برق داشتیم، خیابان ها آسفالت و تمیز بودن. گاز نداشتیم ولی همه چیز دم دست بود. اینجا هیچی ندارد. ما به امید اینکه یک روزی اینجا آباد می شود، سالهاست صبر کردیم اما هنوز اتفاق خاصی نیفتاده. هر چه داشتیم صرف این خانه ها کردیم. الان هم راه بازگشتی وجود ندارد.»

حریم سیم، پایین ترین و مخاطره آمیزترین نقطه مرتضی گرد است، به نقل از ساکنین بیش از ۴۵۰ خانوار در معرض خطرات کابل های برق فشار قوی قرار دارند. ارتفاع کابل های برق فشار قوی در این محل از سطح زمین و بام خانه ها زیاد نیست. در برخی نقاط فاصله کابل ها به سقف خانه ها به کمتر از دو متر می رسد. صدای جریان برق گوش خراش و کلافه کننده است. ساکنین به آن عادت کرده اند زیرا سقف بالای سرشان آنقدر برای آنان مهم است که این معضل و خطرات ناشی از آن را نادیده می گیرند.

آنچه که فضای این سکونتگاه را دلگیر و بی روح کرده است، نبود فضای سبز و مبلمان شهری است. تلفیق بافت مسکونی و کارگاهی، نبود بهداشت، نبود سیستم مناسب برای جمع آوری آبهای سطحی و فضلاب های خانگی، خاکی بودن معابر، بوی بد جوب های آب و مانداب ها از جمله مشکلات زیست محیطی مرتضی گرد است که به چشم می آیند و زندگی را بر مردم آن دوچندان دشوار ساخته است.

قیمت زمین و خانه ها در حریم سیم به خاطر پستی زمین و دکل های برق پایین تر از سایر نقاط مرتضی گرد است. خیابان های این منطقه خاکی و پر از زباله های خانگی و تولیدکنندگان مبل است. بوی تعفن جوب های آب آزار دهنده است. برخی خانه ها در معرض آبگرفتگی هستند. ساکنین از گل و لایی خیابان ها و سخت

